



اندیشیدن، از محسوس تا معقول و از معقول تا محسوس رفتن است

دینانی در رونمایی از کتاب خود با عنوان از محسوس تا معقول گفت: برای اندیشیدن باید از محسوس به معقول رفت و برگشت. حیوانات تنها در محسوس و فرشتگان تنها در معقول هستند. بنابراین آنها نمی توانند بیاندیشند.

دینانی در رونمایی از کتاب خود با عنوان از محسوس تا معقول گفت: برای اندیشیدن باید از محسوس به معقول رفت و برگشت. حیوانات تنها در محسوس و فرشتگان تنها در معقول هستند. بنابراین آنها نمی توانند بیاندیشند.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی روز گذشته ۲۷ خردادماه در نشست رونمایی و معرفی کتاب از محسوس تا معقول که در کتابخانه ملی برگزار شد، گفت: اگر بخواهم عنوان از محسوس تا معقول را به فارسی سره ترجمه کنم، معنی اش اندیشیدن و فکر کردن می شود.

وی با طرح این سؤال که فکر کردن چیست، افزود: وقتی کسی فکر می کند از محسوس به معقول می رود و از معقول به محسوس بازمی گردد. اگر کسی نتواند از محسوس به معقول برود و دوباره از معقول به محسوس بیاید قدرت فکر کردن نخواهد داشت.

وی در مورد ویژگیهای فکر کردن و اندیشیدن اظهار داشت: اولاً اندیشیدن، یک امر بسیط است اما مراتب دارد. بسیط است یعنی ترکیبی نیست، هر چیزی از چند تا جزء ترکیب شده است اما اندیشه ترکیب نیست. اندیشیدن وزن هم ندارد، اندیشه پیر هم نمی شود، حتی اگر آن را در هر عصری تفسیر کنیم جوان تر هم می شود وگرنه همان طوری باقی می ماند. ۲ به علاوه ۲ چند سالش است؟ پیر است یا جوان است؟ اما اگر از ۲ به علاوه ۲ فکری جدید و مطالب بیشتری به دست بیاوریم آن وقت تازه تر و جوان تر می شود.

این استاد فلسفه دانشگاه تهران در ادامه سخنانش تصریح کرد: حیوانات حواس دارند، حتی ریزترین موجودات مانند پشه، بویایی و حتی بینایی اش از ما تیزتر است، شنوایی سگ از ما بسیار بیشتر است. چشم عقاب از چشم ما بسیار تیزتر است، پس اگر به حس باشد حیوانات از ما قوی تر هستند. اگر حس آنها از ما بیشتر نباشد حداقل کمتر نیست. اما آیا حیوانات می اندیشند؟! نمی اندیشند. حواس خوبی دارند اما نمی اندیشند.

وی تأکید کرد: برخی از موجودات مانند حیوانات تنها در محسوس هستند، برخی از موجودات مانند فرشتگان تنها در معقول هستند. بنابراین هر دوی این موجودات نمی توانند بیاندیشند اما انسان موجودی است که می تواند از محسوس به معقول برود و بازگردد. چرا بشر این همه قدرت هم از طرف بدی و هم از طرف خوبی دارد. از طرف خوبی در اوج و اعلی العلیین و از طرف بدی در اسفل السافلین است.

دینانی در ادامه سخنانش با طرح این سؤال که قدرت اندیشیدن مهم است یا زور بازو؟ گفت: مسلماً اندیشیدن مهم است. اندیشیدن، از محسوس تا معقول و از معقول تا محسوس رفتن است. معقول چیست؟ عقل چیست؟ کمتر کسی است که مدعی باشد عقل ندارد، سعدی می فرماید: همه را عقل به کمال نماید و فرزند به جمال. همه آدمها می گویند عقل را به کمال داریم.

این استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: چندین تعریف برای عقل گفته شده که ساده ترین آنها را بیان می کنم. اولاً گفته می شود عقل کلیات را درک می کند. حس، نمی تواند کلیات را درک کند. دوم اینکه عقل ارتباطات و لوازم را درک می کند، لوازم یعنی وقتی می گوئیم چهار، گوش این عدد را می شنود، چشم هم مثلاً چهار تا لیوان را روی میز می بیند اما عقل می گوید چهار زوج است. آیا زوجیت دیده می شود؟ این ارتباط لازم و ملزوم بین چهار و زوجیت، التزام است. رابطه ای است که تنها عقل آن را می فهمد. عقل التزامات را می فهمد.

وی در پایان سخنانش بیان کرد: در منطق هر برهانی، دو مقدمه صغری و کبری دارد. رسیدن از مقدمه به نتیجه کار عقل است. مثلاً می گوئیم عالم متغیر است. در کبری گفته می شود هر چیزی که متغیر است حادث است، بنابراین عالم حادث است، این نکته را تنها عقل می فهمد. اگر عقل نباشد انسان دو مقدمه اول را می فهمد اما نمی تواند نتیجه گیری کند.